

تکرار تجارب تلخ در ۳ جرم مهم

دکتر مجید ابهری*



در میان صفحات حوادث روزنامه‌ها، هر روز شاهد اخبار تلخ و ناگواری هستیم که هر یک به نوعی عارضه‌ای تکان‌دهنده در جامعه و متاثرکننده افکار عمومی هستند.

گذشته از ضربه‌ای که این حوادث شوم به وجدان و اخلاق عمومی وارد می‌کند، هر یک می‌تواند هشدار جدی مسوولان، والدین و مریبان باشد.

در بررسی‌های ماهیتی این وقایع، تکرار بعضی از حوادث مشابه، بیانگر این واقعیت تلخ است که یا افراد قربانی در جریان اتفاقات جامعه قرار نمی‌گیرند یا خود را در حصار آهنی و حاشیه امنیت ارزیابی می‌کنند، به هر حال در هر یک از ۲ حالت گفته شده، آحاد جامعه باید آسیبها و وقایع جاری را مایه عبرت قرار دهند و آموزشهای لازم را هم فرا گرفته و هم به اطرافیان منتقل کنند.

قبل از ورود به بحث اصلی، از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی تذکر یک نکته مهم لازم و حیاتی است و آن این که بزهکاران در بسیاری از این جرایم دارای سوابق مجرمیت در همان جرم یا دیگر انواع آنها بوده، ولی به علت سبک بودن مجازات و عدم تطابق آن با بزه یا تحمل محکومیت دوباره به جامعه بازگشته و با تمديد انرژی و تجارب نوین تر به جنایات خویش ادامه داده‌اند. نمونه بارز این نکته، رمال متجاوز به ۶۰ دختر و زن است که در اولین تجاوز به یک سال زندان و ۹۹ ضربه شلاق محکوم شده و پس از خلاصی، زندگی ۵۹ زن و دختر دیگر را به تباهی کشانده است.

تعیین مجازات متناسب با جرم و تشدید آن از یک سو و بازپروری هویتی و به‌پروری شخصیتی از سوی دیگر همراه با کنترل محکومان دارای انحرافات اخلاقی و ناهنجاری‌های رفتاری می‌تواند تا حدود زیادی جامعه را در مقابل این گرگهای درنده‌خو، واکسینه کند.

برای نمونه چند حادثه را مرور کرده و ضمن بازنگری آنها ابعاد مختلف را از نظر می‌گذرانیم.

الف: مشاهده پیاپی قتل فرزندان بی‌گناه به دست والدین معتاد که دلخراش‌ترین حوادث در دنیا محسوب می‌شوند، هر چند والدین صاحب فرزندان بوده ولی آنها جزو ذخایر ملی محسوب شده و تولیت تربیتی و اصلی آنها از سوی دولت به نیابت از جامعه است. در بیش از ۹۹ درصد این قتلها، اعتیاد عامل اصلی این حرکت غیرانسانی است و مواد روانگردان (کراک - شیشه) بیشترین محرکها هستند.

سلب حضانت از والدین بدون صلاحیت و واگذاری سرپرستی این‌گونه کودکان به داوطلبان واجد صلاحیت یا مراکز مرتبط برای تربیت و ادامه زندگی.

ب: رمال‌ها و همکاران: اطلاع‌رسانی‌های در پی نهادهای مرتبط و رسانه‌ها، باز متأسفانه شاهد فعالیت این افراد در زشت‌ترین شکل‌ها هستیم. آزارهای جنسی، کلاهبرداری‌های کلان و فریبکاری، ساده‌ترین حرکات این زالوصفتها هستند و تشدید مجازات همراه با آموزش‌های پیاپی خانواده‌ها از سوی رسانه‌ها به افشای چهره پلید این اشخاص کمک موثری خواهد کرد.

ج: سوءاستفاده از عکسها و فیلمها که به وسیله تلفن‌های همراه برداشته می‌شوند، در بسیاری از اوقات ساده‌لوحی و اعتماد بیجای افراد موجب خلق این حوادث تلخ و خانمان‌برانداز می‌شوند. نقش آموزش به دختران در رعایت اصول اخلاقی و معیارهای ارزشی غیرقابل انکار بوده و برخورد قاطعانه با عوامل دخیل در این زمینه‌ها و حتی مجازات کسانی که طعمه واقع می‌شوند، راه اصولی برای تضعیف پایه این حرکتهای غیرانسانی هستند. بانوانی که با وجود بارها اخطار و تذکر باز از خودروهای ناشناخته استفاده می‌کنند یا در مقابل امیال شیطانی و حربه‌های زبانی مردان طمعکار تسلیم می‌شوند، تفاوت چندانی با آنها که با پای و اراده خود به اماکن متعلق به این‌گونه افراد می‌روند و در شرایط نامناسب عکس‌برداری‌های قابل سوءاستفاده قرار می‌گیرند، ندارند. در هر سه مورد والدین فرزندکش، رمالان شیطان‌صفت و عاملان عکسبرداری‌ها و فیلمبرداری‌های غیراخلاقی و همچنین آزمایشگاه‌های پیچیده ساخت مواد روانگردان، نقش اساسی رسانه‌های تحریری و تصویری در جهت آموزش، جایگاه ارزشمندی دارد و مجازات بازدارنده، بازپروری‌های شخصیتی و کنترل و نظارت زندانیان آزاد شده در رابطه با مسائل یاد شده، عوامل بازدارنده کوتاه‌مدت و میان‌مدت هستند.

امید آن که با همدلی و همسویی همه اجزای مرتبط، دیگر شاهد این‌گونه حوادث دلخراش نباشیم.

* متخصص علوم رفتاری و آسیب‌شناسی اجتماعی